

نظری بنسبر ایران

از پروفیسور آرتور پوپ ایران‌شناس معروف

عظمت و شکوه پرسپلیس که جواپگوی سیاست و مذهب زمان بود، آنرا قبله‌گاه خاور باستانی ساخته بود. حجاریهای غنی این کاخ، تصاویر بازگوکننده جشن نوروزی و یاتصاویری که ستایشی خالص نیروی یزدانی را میرسانند و چشم امید بسوی مبدای دارند که زمین آنها را از سرشاری و فراوانی سیراب سازد، همه‌ی این تصاویر با آرامشی اطمینان بخش برپا ایستاده‌اند و شاهد صادق اعتقاد ملتی یزدانی قادر و رؤوف هستند. سادگی آرام و معقول این تصاویر بیصدا با حجاریهای خشن و بدوی و آراسته بجزئیات پرهیاهوی آشوری تفاوتی عظیم دارد.

صنعتگران این زمان مهارت غیر معمولی و احساس زیبایی و نبوغ خود را در بسیاری از هنرها خاصه ظروف فلزی و گلی نشان دادند. ظروف گلی آنها بانقش و نگارهای تزیینی حیرت‌آوری ساخته شده است. تسلط هنرمند در ساختن و پرداختن این ظروف و در آوردن آنها بصورتی که هدف ساختمانشان را بشاید، شگفت‌آور است.

هنرهای ساسانی با اشکال تازه‌ای، عظمت، قدرت و وفور آثار هخامنشیان را ادامه داد. معماری ساسانی هرچند فاقد استعمال سنگ و ساختمان بناهای سنگی گران قیمت مانند معماری هخامنشیان بود، اما در کاربرد مصالح دیگر و بدعت در ساختن طاق‌های هلالی و گنبد‌ها گامی فراتر نهاده بود. و این گام مقدمه‌ای بود برای حل مسئله‌ی انعکاس صوت که حتی از نظر تیزبین معماران رومی مخفی مانده بود. معماران ساسانی به پوشش فواصل وسیع با مواد سخت توفیق آموخته بودند و این امر یکی از مشکل‌ترین و اساسی‌ترین

تاریخ ایران مشحون از فتوحات درخشان شاهانه و مصائب دشوار است. بنظر میرسد که تمدن ایرانی در هر دو موقعیت روز بروز در شکفتگی و نمو بوده است. ایستادگی در برابر مصائب و از نو ساختن استقلال و حیات ملی با مصالحی تازه، در عین آنکه شکست هرامیدی را در دل‌ها شکسته، بعقیده بعضی از مورخان جدید از عظیم‌ترین خصائص يك ملت است. در تاریخ جهان مثال دیگری نظیر این خصیصه‌ی ایرانیان که بعد از هر مصیبت ویران‌کننده‌ای از نو قد برافراشته‌اند وجود ندارد. دلایل این مشخصه روشن نیست. شاید تاحدی اوضاع جغرافیائی و یا آب و هوای مساعد انگیزه‌ی رستاخیزهای این ملت بوده است. اما تنها دلایل مادی کافی نیست. تنها آنگاه که علل مادی با اختصاصات روحی توأم میشوند نیروی خلاق ملتی مانند ایرانیان این چنین میشکند. و خصایص روحی و معنوی است که عظمت ایران را تضمین کرده است. مذهب و ادبیات و فعالیت‌های هنری ایرانی است که عظمت اصیل این کشور را بما نموده است. نیروی اخلاقی شگرف این ملت بود که تربیت کرد، تسلا داد، الهام بخشید و قرون متمادی تمدن عظیم بشری را رهبری کرد.

ملت ایران، این شاعرانه‌ترین ملت‌ها، با جهان‌بینی فلسفی و هنریش حقایق فوق حس و واقعیت را مو شکافت و از این مو شکافی نیرو و امید و مقصد عالی یافت. فردوسی «قلعه و پناه روح ایرانی» را در گرما گرم وحشت و ویرانی مغول پناه داد. اما فردوسی تنها يك مظهر روح ایرانیست بود، روحی که در طی اعصار و قرون ارضاء خود را از بسی هنرها یافته است.

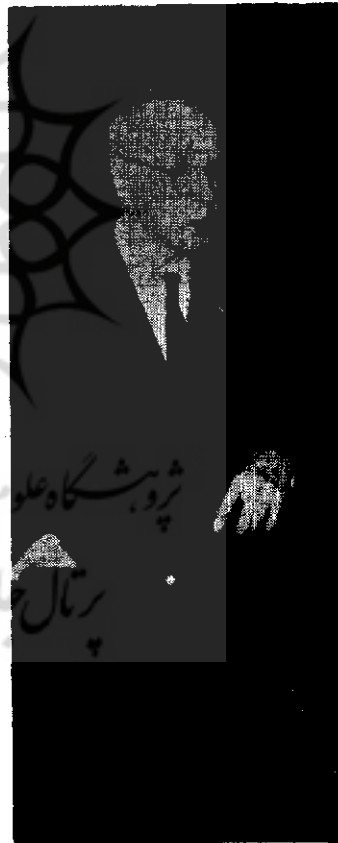
اختراعات معماری بود و همین مقدمات بعدها در کلیه آثار معماری ایرانی طی قرون بعدی تکمیل گردید. بعضی از اصول معماری ساسانی بود که راه را برای ترقی معماری گوتیک یعنی عامل عظمت اروپای قرون وسطی هموار ساخت.

در عهد ساسانی هنرهای دیگر نیز غنی بودند. چند نمونه پارچه‌ای که از این زمان مانده است گرانباترین پارچه‌های بافته شده‌ی جهانند. نقش این پارچه‌ها اصیل و قوی است و در عین حال ظرافت دارد. رنگهای آنها در عین آرامش نسبی، خوب انتخاب شده است. تکنیک این پارچه‌ها ساده اما کاملاً مناسب و بجاست و روی هم رفته معنای رمزی نقشا گویا و بیان کننده است.

حجاری‌های عظیم در سینه‌ی کوه‌ها که پانسان‌دهنده‌ی واگذاری سلطنت و یانمودار پیروزی شاهان ساسانی بر امپراطوران رومی است، آنچنان نماینده‌ی یادگاریها و یادبودها هستند که کمتر نظیر آنها را میتوان یافت. در حالیکه بشقابهای طلا یا نقره‌ی ساسانی معجزات فن‌اند. ظروف برنزی بانسازهای سترگ و ترکیب‌های خاصشان مناسب‌ترین سفره‌ی شاهان بزرگ و درباریان آنها میباشد. از آنهمه بشقاب‌ها و صراحی‌ها و جام‌ها که برای نجبا در عهد ساسانی ساخته شده است یکی از هزار بیشتر باقی مانده است و آنچه تاکنون کشف گردیده است در موزه‌های معروف در عداد گنجینه‌های گرانبها قرار دارد.

ظهور اسلام ایمانی جدید و ارزشهایی تازه و حدودی نو بوجود آورد. تصور و معابد عظیم ساسانی کم‌کم جای خود را بمساجد داد. مسجد که مرکز اجتماع سیاسی و مذهبی مردم بود، ابتدا یعنی در قرن هفتم میلادی ساختمان مساجد بسیار ساده بود. در این قرن مسجد بنایی بود که در آن نماز جماعت برگزار میشد و باوقایع و اخبار اعلام میگردد. اما بزودی بیان «احساس» و «عبادت» در نقشه و ساختمان مساجد رعایت شد. در قرن هشتم میلادی مساجد دارای عظمت مؤثر و زیبایی خاص گردیدند در عین حالیکه ساختمان آنها تاحدی ادامه‌ی سبک معماری ساسانی با تزیینات ساده و باشکوه بود.

بزودی نوع تزیینی ایرانی راه تازه‌ای برای ابراز یافت. گچ‌بریها و تذهیب‌های رنگارنگ بوجود آمد. سطوح مزین بطرحهای تجرید یافته و یا طرحهای مجرد نباتات و گلها با زیبایی هر چه تمامتر مساجد را زینت داد. این تزیینات تا قرن چهارده روز بروز در تکامل و بدعت بود. مقابر شاهانه با برجهای یادبودشان در غالب نقاط ایران نظراندازهای شاعرانه بوجود آورده‌اند. از همی این بناها زیباتر بنای یادگار گنبد قابوس در گرگان است، که در سال ۱۰۰۷ م ساخته شده است. بنایی است اسرار آمیز، نیرومند و غم‌انگیز. شاید عالیترین مزارهای موجود باشد. ساختمان



آقای پروفیسور پوپ

گنبد در بناهای عهد سلجوقی بنهایت کمال رسید و نشان این کمال خاصه در دو گنبد مسجد جامع اصفهان مشاهده میشود. گنبد کوچکتر این مسجد کاملترین گنبدی است که تا با امروز باقیمانده است. هلال طاق آن ظریفترین طاقهای هلالی است. تزئین هم آهنگ داخلی آن از قوسها وهلالهایی است که درهم آمیخته اند و بانظمی منطقی ادامه یافته اند. این تمها و ادامه وتکمیل آنها همواره مورد توجه معماران هر مکتبی قرار گرفته است. این بنا با عظمت خاموش وجدی و اسرار آمیزش یکی از بزرگترین آثار معماری جهان است.

اعتقاد باسلام که میان غالب ایرانیان بنا بر رغبت شخصی بود هنر نوی را که در نظر شرقیان هنری بس مهم بود بوجود آورد و تقدیر آن بود که این هنر در ایران باوج خود برسد. و آن هنر خطاطی بود. احترام بکلام مقدس بخداوند که چاوش سعادت وزندگی جاوید بود باعث بوجود آمدن احترام آمیزترین کتابت هاشد. خط بدوی عرب بطرافت گرایید و توسعه یافت و اولین پیشرفتهای هنر خط در شهر کوفه انجام گرفت و خط کوفی منسوب باین شهر بواسطه ی ظرافتش شهرت زیاد یافت. الفبای قوی و اصیل مدون شد که عظمت کلام الهی را شایسته باشد. نبوغ ایرانی این الفبا را معقول و متناسب ساخت تا بجایی که خط کوفی تزئینی ترین و گویاترین خطوط گردید. ذوق بخطط خوش که این چنین انگیخته شده بود باشتیاقی منجر شد که حتی بوسواس کشید. آتش این اشتیاق مدت هزار سال در دل مسلمین افروخته بود.

ضمناً هنر دیگری که باز در آن ایرانیان بنهایت مهارت رسیدند بوجود آمد و آن صنعت ظروف سفالی بود. شاید پیشرفت ظروف سفالی لعابدار تا حدی بواسطه ی منع مذهبی ظروف فلزی گرانبها (طلا و نقره) تسریع گردید. در پایان قرن هشتم م. در مشرق ایران ظروف سفالی ممتاز با نقشهای جالب و رنگهای بدیع بوجود آمد و در قرون نهم و دهم میلادی در غالب نقاط ایران ظروف عالی ساخته گردید. اما در این هنگام تأثیر هنر چینی بر این ظروف کاشی آشکار بود و این نفوذ مخصوصاً در بکار بردن لعابهای طلائی و قهوه ای و سبز آشکارا احساس میشود. در واقع بسیاری از نمونه های صنعتی این عهد چنان شباهتی بمدلهای چینی دارد که تشخیص ظروف ایرانی از چینی جز با آزمایش فنی امکان ناپذیر است.

ایرانیان بکمک نبوغ خود و تجاری که از آرمودن سبکهای دیگران کسب کردند عالیتترین انواع ظروف سفالی لعابدار را بوجود آوردند که تنها چینیها و یونانیها تاب رقابت با آنها را داشتند و تازه از بعضی جهات صنعت سفال ایرانی عالیتر بود.

سفال ساز ایرانی بمواد که در صنعت خود بکار میبرد وفادار بود. جنس گلی را که بکار میبرد پنهان نمیداشت

بلکه آنرا فریبتر و رنگین تر عرضه میداشت. ظروف سفالی ایرانی سبک وزن و ظریف است. تزئینات باجنس ماده ی اصلی متناسب است. اشکال و رنگها با مجموعه میخواند. نقشهای غنی حیوان و گل و اشکال هندسی در نقاط مختلف ایران با سبک و رنگ محلی تکمیل گردیده است. فن کتاب نویسی در ایران بااستنساخ نسخه ی اصلی اندر زنامه ی کیکاوس بن وشمگیر (قابوسنامه) که در ۱۰۹۰ م. خاتمه یافت آغاز گردید. این کتاب اولین کتاب مصور فارسی است و بعدها این فن ادامه یافت. قسمتی از تصاویر شاعرانه و زیبای این نسخه اینک در موزه ی «سین سیناتی» و بقیه ی آن در اختیار مؤسسه ی گورگیان است. ایرانیان در هنر تصویر کتب خطی روز بروز ماهرتر شدند. نشان این مهارت را در تصاویر حیوانات کتاب منافع الحیوان که در کتابخانه ی مورگان نگاهداری میشود و همچنین در تصاویر حزن انگیز و قوی شاهنامه معروف «دموت» میتوان ملاحظه کرد. سیر تکاملی نقاشی ایرانی بهنگام سلطنت تیموریان در اواخر قرن پانزده میلادی باوج خود رسید. هنر مینیاتور و تذهیب و جلدسازی در این زمان بود که بحد اعتلا رسید. طرحها و نقاشیهای این زمان بجلال و تازگی رؤیامانندند. رؤیای جهان کاملی که در آن ابهام سایهها وجود ندارد.

صنعت نساجی نیز بتکاملی نظیر کمال نقاشی ایران رسیده است. این صنعت در زمان آل بویه و سلجوقه بنهایت قدرت فنی خود رسیده است. چنانکه مثل دسته ای از هنرهای ایرانی دیگر بوجود آوردن نظایر آنها امکان نیافته است. هفتاد نقش موجود که از آثرمانها مانده است تنها نشان ممارست فنی نیست. این نقشها از نظر مقیاس بحد متوسط تعدیل یافته اند و بعلاوه طوری تعبیه گردیده اند که زیبایی جامهها را عمیق تر جلوه بدهند. ذوق هنری و وسواس، آرمودن نقشهای گوناگون را ایجاب کرده است. ملائک مقرب، هروئات و امرئات (خرداد و مرداد) که در فردوس برین درانتظارند تا ارواح درگذشتگان دنیوی را خوش آمد گویند، حیوانات چالاک، خطوط حیرت آور کوفی، اشکال قوی هندسی، تمام اینها با مهارت بیمانندی نقش گردیده اند. رنگ این نقشها تیره است اما تأثیری هیجان آور دارد.

در فلزکاری و نقش روی فلز سابقه ی مهارت ایرانیان بفلزکاریهای لرستان (۷۰۰ تا ۱۶۰۰ ق. م.) میرسد. اما فلزکاری ایران در هر زمانی سبکی نو و زیبایی حیرت آور و شاعرانه ای یافته است و غالباً بنهایت کمال فنی ساخته و پرداخته گردیده است.

یورش مغول باخسوت بی سابقه ای بناهای آباد و بشمار پیشینیان را ویران ساخت، اما سلاطین اخیر مغول مانند غازان خان و الحایتو که تربیت یافته ی تمدن ایرانی بودند

باتوجه بست ایرانیان بناهای باعظمتی ساختند که از نظر شکل و مقیاس ساختمان و شکوه تزیینات در عداد شاهکارهای معماری جهان قرار گرفت. مزار غازان خان (که اینک ویران گشته) مسجد علیشاه (ارک تبریز) باطاقی که چهارصد پا پهنا داشت، یعنی ۳۴ پا از وسیعترین طاقهای اروپایی و سیعتر بود و مقبره‌ی العجایتو در سلطانیه با گنبد عالیش که بناهای با عظمت پرسلیس و طاق کسری در تیسفون و معابد و حمامهای رومی و کاتدرالهای عظیم اروپایی کوس برابری میزند، از آثار این سلاطین است.

پورش تیمور لنگ در آخر قرن چهارده میلادی از نو این ملت رنجیده را از پا درآورد. چهل سال سلطنت اجامر و جنگهای داخلی روحیه‌ی این ملت نجیب را ضعیف ساخته بود اما بار دیگر فاتحان مغلوب و رام ذوق سلیم و شاعرانه و لطافت اجتماعی تمدن ایرانی گردیدند. و سلاطین تیموری به پیروی خود تیمور بساختن مساجد و مقابر با عظمت پرداختند. عالیترین نمونه‌های این آثار مسجد گوهر شاد در مشهد (۱۴۱۸ م.) و مسجد کبود تبریز است. زینت این بناهای عالی کاشی کاریهایی است که اینک بکمال رسیده بود. رنگ آمیزی این کاشی‌ها در نهایت هم‌آهنگی. آبی لاجوردی و آبی فیروزه‌ای که در کنار سفید عاجی و زرد کمرنگ جلوه می‌کنند و در کنار سبز زمردین و سیاه صیقلی پررنگ‌تر بنظر می‌آیند، قطعات کاشی این آثار را بصورت تابلوهای نقاشی هم‌آهنگی درآورده‌اند. بناهایی با چنین رنگهای مطبوع: رنگهایی که فقط قطعات کوچکی را رنگین ساخته‌اند تا در کنار قطعات کوچک دیگر طرحهای ظریف گلها و بنته‌ها و اسلیمی‌ها را تکمیل کنند، جلالی آسمانی دارند. چنین جمالی بچشم ایرانیان آشنا و عادی است اما دیده‌ی دیدارکنندگان دیگر دیارها را از حیرت خیره میسازد.

تزیینات درون این بناها هم‌آهنگ با زیبایی بیرون است. گچ‌بریهای رنگارنگ نقش اساسی تزیینی را برعهده دارند. بدنه‌ی ستونها و محراب مقدس با کاشیهای شفاف و منقش که اختراع خاص ایرانی‌هاست پوشیده شده است. صیقل درخشان این سطوح در نور چراغها باشعله‌های طلایی و اسرار آمیز متأللی می‌گردد.

بعد از این همه ابداع و ابتکار بی نظیر - آدمی منتظر است که مهارت معماران ایرانی بفرسودگی گراییده باشد. اما باز در زمان شاه عباس اول (۱۵۸۷ - ۱۶۲۹ م.) ناگهان بناهای با عظمتی برپا می‌گردد که اصفهان پایتخت صفویه را زیباترین شهرهای جهان میسازد. این ساختمانهای عظیم طبق سنت قدیم ایران از خاک، این ماده‌ی ناچیز و خاضع و خاموش،

برپا گشته است. مانند مسجد شاه (۱۶۱۱ م.) و مسجد شیخ لطف‌الله (۱۶۲۳ م.) اما همین مواد بیجان در دست معمار ایرانی چنان جانی گرفته است که کاملترین بناهای جهان در برابر آنها فرسوده و بیروح مینماید.

از قالی و گلیم معروفترین صادرات ایرانی چه بگوئیم؟ قالی ایرانی نشانه تجمل شاعرانه در سرتاسر جهان است. شاهکارهای قالی ایران از عهد ساسانی شروع میشود. فرش بهارستان و هم‌چنین زمستان خسرو، فرشی ابریشمین با تارها و پودهای زرین و سیمین بود و با جواهرات زینت یافته بود. اندازه‌ی آن بزرگی ۱۲۱ × ۷۶ پا بود و چنانکه از فروش قطعات آن بوسیله فاتحان عرب برمی‌آید، قیمت آن میبایستی بالغ بر صد میلیون دلار بوده باشد.

از قالیهای ایرانی که ارزش هنری داشته باشد قبل از اوایل قرن شانزدهم میلادی چیزی باقی نمانده است. در این زمان در عهد سلطنت شاه اسمعیل و شاه طهماسب (۱۵۲۴ - ۱۵۷۶ م.) نقشی ظریفترین قالیهایی که جهان بخود دیده است کشیده شد. و بافت این قالیها در همین زمان انجام گرفت. شاه طهماسب نه تنها خسر و قالی شناس بود بلکه خود از نقشه‌کشی و طرح قالی اطلاع داشت. طراحان و بافندگان هیچ کشوری در طرح روشن و دقیق و در تخیلات شاعرانه و در بافت ظریف بیای قالی بافان و طراحان عهد صفویه نمی‌رسند. اگر بعضی از قالیهای آسیای صغیر و هندوستان از جهت رنگ عمیق‌تر و رنگین‌تر از قالیهای صفویه بوده است اما هیچ‌فرشی از نظر تنوع و کمپوزسیون و رنگ آمیزی بیای قالیهای مساجد و قصور شاهان ایرانی نمی‌رسد. تمام این قالیها اینک در موزه‌ها نگاهداری میشوند. ارزش این قالیها همانند بهای کاخهاست. این قالیها محصول رنج دسته‌جمعی مذهبان و رنگرزان و بافندگان و طراحان هستند. مانند يك قطعه موسیقی سمفونی هم‌آهنگ و از اجزاء متنوع فراهم آمده‌اند. طرحهای درونی و درجه‌ی دوم با رنگهای حیرت‌آور با نقشه‌ها و طرحهای اصلی درهم آمیخته‌اند. هر چند محصول قالیهای هنری و عالی تقریباً در اوایل قرن هفده پایان یافته بود اما این صنعت بدیع در ایران از نو احیا شده است و در شهرهای کرمان و بیرجند و مشهد در حال حاضر قالیهایی بافته میشود که از نظر رنگ آمیزی و بافت بظرافت عهد صفوی است. هر چند ممکن است نقش این قالیها باصالت و غنای مدلهای اولیه نباشد اما باز میتوان آنها را وارث صنعت باستانی ایرانی دانست. ایران بكمك هنر خود عقل و دل مردم متمدن جهان را مسخر کرده است. فتحی که بذال و کریم است، دائماً در تزیاید است. و جاودانی است.